فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۶، شماره ۳، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۲۷۴-۲۴۱

شناسایی بسترها و عوامل تأثیرگذار بر تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز

سید کریم موسوی[۱]، دکتر سیعد عباسی‌نیا[۲]

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۵

چکیده:

تیراندازی‌های غیر مجاز در سال‌های اخیر و در بسیاری از استان‌های کشور به‌ویژه استان خوزستان و شهرستان اهواز شیوع چشم‌گیری داشته که در سال‌های اخیر وقایع بسیار تلخی را رقم زده و جان بسیاری از شهروندان را گرفته است. به دلیل اینکه تیراندازی غیر مجاز یکی از مسائل و چالش‌های مهم در این شهرستان به شمار می‌رود، هدف از انجام این تحقیق شناخت بسترها و عوامل مؤثر بر تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل جمعیت ساکن در شهرستان اهواز بوده است. نمونه‌ای به حجم ۳۲۰ نفر به‌صورت کاملاً تصادفی از بین جمعیت ساکن در مناطق هدف انتخاب شده و سپس داده‌های پیمایشی جمع‌آوری شده در بستر نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار Amos با استفاده از آزمون‌های معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل گردیدند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش نشان داد که شدت مجازات کیفری (کنترل رسمی) بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز تأثیر معناداری دارد. از سوی دیگر، با توجه به نتایج این پژوهش اثر قوم‌گرایی بر گرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز تأیید شد. افزون بر این، اثر متغیر قانون‌گذاری و همچنین وضعیت روانی افراد بر گرایش افراد به تیراندازی‌های غیر مجاز رد شد. مطابق نتایج پژوهش مبنی بر اثرگذاری متغیرهای برون‌زای قوم‌گرایی و شدت اعمال مجازات‌های کیفری (کنترل رسمی) بر متغیردرون‌زای گرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز، سیاست‌های مقابله با تیراندازی در این شهر نیز باید در راستای این دو موضوع باشد.

مفاهیم کلیدی: *گرایش به تیراندازی غیر مجاز، قوم‌گرایی، قانون‌گرایی، شدت مجازات کیفری*

---

[۱] دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی علوم و معارف وابسته به جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران k.mosavi1400@gmail.com

[۲] استادیار گروه معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) dr.abasinya@iau.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

تیراندازی‌های غیر مجاز در همه ایالت‌های آمریکا و در بسیاری از کشورهای جهان تبدیل به یکی از عناوین خبری همیشگی و یکی از نگرانی‌های اصلی مردم و قانون‌گذاران شده است (*Barry & et. al, 2019: 893*). متأسفانه نزاع‌های فردی و خیابانی امروزه در خیلی از موارد با استفاده از سلاح گرم صورت می‌گیرد که امکان دارد منجر به قتل، رعب و وحشت در بین افراد جامعه گردد (*Mousavi & Abedini, 2020: 18*). تیراندازی‌های غیر مجاز در سال‌های اخیر و در بسیاری از استان‌های کشور به‌ویژه استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان و استان کرمان شیوع چشم‌گیری که در سال‌های اخیر وقایع بسیار تلخی را در کشور رقم زده و جان بسیاری از شهروندان کشور را ستانده است (*Afrasyabi, 2015: 83*). وجود سلاح در دست انسان‌های آگاه، قانون‌مدار و درست‌کردار می‌تواند ضمن تأمین نیاز فرد، منافعی مانند امنیت و احساس امنیت را نیز برای جامعه به‌دنبال داشته باشد و چنانچه این سلاح در دست انسان‌های غافل، بی‌مسئولیت، قانون‌گریز و قانون‌شکن باشد، می‌تواند پیامدهای منفی جدی و حوادث ناگواری را در یک جامعه رقم بزند. یکی از نتایج اصلی این مسئله وقوع تیراندازی‌های غیرمجاز در استان‌های کشور و به‌ویژه شهر اهواز است. مسئله اصلی این است که چطور می‌توان علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای مشروع و قانونی افراد در جامعه، از بکارگیری سلاح توسط افرادی که آرامش و امنیت جامعه را تهدید می‌کنند و با انجام تیراندازی غیر مجاز احساس امنیت در جامعه را از بین می‌برند، جلوگیری کرد. این موضوع با محوری‌ترین ارکان یک نظام یعنی مسائل حقوقی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و توسعه پایدار در یک کشور ارتباطی تنگاتنگ دارد (*Bauchner & et. al, 2017:1194*). اصولاً سیاست کیفری هر جامعه و تدوین قوانین در آن، باید بر اساس مبارزه با عوامل مولد جرم و تقویت عوامل بازدارنده پی‌ریزی شود تا بتوان برنامه‌ای برای مبارزه علیه پدیده بزهکاری طرح‌ریزی نمود که علاوه برداشتن قابلیت پیشگیری از جرم، بازدارندگی، اصلاح، درمان، بازسازی وجامعه‌پذیری مجدد بزهکاران را نیز در پی داشته باشد. لذا تا زمانی که علل و عوامل جرم شناسایی نشوند، نمی‌توان انتظار داشت که نتایج سوء آن وقوع نیابد، پس هر چند نمی‌توان جامعه‌ای مبری از جرم داشت؛ ولی حداکثر کاری که می‌توان انجام داد، پیشگیری و کنترل جرم است. از آنجا که هر فرهنگ و منطقه‌ای، خصوصیات و خصایل خاص خود را دارا بوده که در بروز رفتارهای خاص و نیز جرائم، مؤثر هستند؛ لازم است که در سطح کشور از نظر جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، همه اقوام و خصوصیات روحی و روانی، فرهنگی، اعتقادی،

آداب و رسوم، مذاهب، بافت اقتصادی، خانوادگی و معماری جنایی آنها کاملاً شناسایی شود و متناسب با این خصوصیات و استانداردهای پیشگیری از جرم، اقدامات قانونی صورت گیرد؛ زیرا راهکارهای مهار جرم در نقاط مختلف کشور متفاوت بوده و دیدگاه‌های کلی پیشگیری از وقوع جرائم کافی نیست و از آنجا که علت در جرم‌شناسی خطی و واحد نیست و مجموعه‌ای از عوامل در بروز کنش جنایی نقش دارند؛ لذا راه‌های پیشگیری نیز باید تلفیقی باشند، شدت عمل کیفری همراه با عدالت اجتماعی، پیشگیری عمومی و از بین بردن فرصت‌های بزهکاری (پیشگیری وضعی) مفید و مؤثر واقع می‌شوند. اقدامات عملی هم باید پشتوانه نظری و پژوهشی داشته باشد (*Mitchell & et. al., 2019: 45*).

بر اساس آنچه که گفته شد، تا کنون در ایران و به‌ویژه در استان خوزستان پژوهشی انجام نشده است که به بررسی بسترها و عوامل مؤثر بر تیراندازی غیرمجاز در ایران به‌طور عام و در استان خوزستان و شهر اهواز به‌طور خاص بپردازد. از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش «تعیین تأثیر عوامل مؤثر برگرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز» است. این پژوهش با تلقی عمل تهیه و توزیع سلاح‌های غیر مجاز به‌عنوان یک مسئله اجتماعی یعنی «شرایطی که غلط، مشکل‌زا، شایع و قابل تغییر باشد» (*Lusic, 2004: 25*). پژوهشگر در صدد است با رویکرد نظری و تجربی بسترهای به وجود آورنده و عوامل تاثیرگذار بر پدیده تیراندازی غیر مجاز در شهر اهواز را بررسی کرده و موشکافی کند. با توجه به شرایط خاص امنیتی و اهمیت فراوان استان خوزستان به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین استان‌های ایران، تجزیه و تحلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تیراندازی در شهر اهواز، نیازمند بررسی دقیق و موشکافانه و چند بعدی است تا مجموعه عوامل مؤثر در بروز این انحراف اجتماعی و جرم مشخص گردد. کشف بیش از ۴۸۹۰ سلاح جنگی غیر مجاز و دستگیری ۳۷۲۱ نفر در این ارتباط در سال ۱۳۹۹ و افزایش ۴۸ درصدی کشف سلاح جنگی غیر مجاز در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال قبل از آن، همچنین موارد بی‌شمار وقوع تیراندازی غیر مجاز در سطح شهر اهواز، رواج تیراندازی در مراسمات عروسی و عزا به‌عنوان رسوم قومی و موارد زیادی از قتل، جراحت و آسیب‌دیدگی شهروندان به‌دلیل تیراندازی‌های غیر مجاز در سطح شهر اهواز نشانه‌هایی از تبدیل این پدیده به یکی از مسائل اصلی تهدید کننده امنیت و احساس امنیت در شهر اهواز است (*Salehi, 2021*). تا کنون پژوهشی به صورت کمی در ایران و در استان خوزستان انجام نشده است که به بررسی بسترها و عوامل مؤثر بر پدیده تیراندازی در شهر اهواز بپردازد. علاوه بر این، گستردگی این پدیده در شهر اهواز به‌دلیل برخی از مسائل فرهنگی و

اجتماعی و همچنین ورود سلاح به این استان به صورت قاچاق و نگهداری حجم زیاد سلاح در استان یکی از خطرات جدی و بالقوه در زمینه پژوهش به حساب می‌آید. بر کسی پوشیده نیست که وجود امنیت و احساس امنیت، یکی از رئوس اساسی برای انجام فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و ضامن انسجام و پیوستگی آحاد مردم است. علاوه بر این، یکی از ضروری‌ترین ابعاد این مسئله ابعاد و خلاءهای حقوقی و قانونی در زمینه تیراندازی‌های غیر مجاز و مواجهه با مجرمین در زمینه بکارگیری اسلحه است که از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به شرایط ویژه استان خوزستان و شهر اهواز و وجود معضلات گسترده اقتصادی اجتماعی از جمله بیکاری و فقر، در شهر اهواز مانند قتل، نزاع‌های قومی، ترورهای عوامل ضدانقلاب و اهمیت استان خوزستان به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین استان‌های ایران بررسی این موضوع بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

پیشینه پژوهش

تا کنون مطالعاتی در خارج و داخل کشور در ارتباط با پدیده تیراندازی غیرمجاز انجام شده است؛ با این حال مطالعات داخلی در زمینه عوامل و بسترهای مؤثر بر پدیده تیراندازی عمدتاً به‌صورت پراکنده به بررسی کیفی و توصیفی برخی از متغیرهای مؤثر بر این پدیده پرداخته‌اند. هنوز مطالعه‌ای در ایران و در استان خوزستان انجام نشده است که به‌صورت کمّی و در قالب آزمون‌های آماری و با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه و سیستم معادلات ساختاری، مجموعه عوامل مؤثر بر پدیده تیراندازی غیر مجاز را بررسی کرده باشد. در ادامه مروری بر مطالعات انجام شده در این زمینه انجام شده است.

الف) مطالعات داخلی

طهماسبی (۱۳۷۶)، در تحقیقی که به در خواست شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام انجام شده است به بررسی روش‌های حل نزاع قومی منجر به قتل در بین عشایر ایل تبار ایلام پرداخته است. محقق به این نتایج رسیده است که پیشینه زندگی اجتماعی جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که با وجود اعتقادات مذهبی و پیروی از قوانین حقوقی در مراجع قضایی، همواره گروهی از مردم استان با توجه به مناسبت‌های باقیمانده از بافت عشیره‌ای استان، نزاع‌های خود را تحت تأثیر عرف و سنت‌های قومی حل و فصل نموده‌اند. این پژوهش، با هدف مقایسه شیوه‌های حل نزاع‌های

قبیله‌ای از طریق مراجع قضایی و آداب و رسوم محلی و امکان پیوند رفتارهای عرفی با ساختار جدید اجتماعی، طراحی شده است.

قدسی و همکاران (۱۳۸۵)، به بررسی آسیب‌های ناشی از کاربرد سلاح گرم در حیطه مسائل بهداشتی و ترومای حاصل از بکارگیری سلاح گرم پرداختند. این پژوهش در قالب طرح ملی تروما در هشت مرکز استانی تهران، شیراز، تبریز، اهواز، کرمانشاه، مشهد، بابل و قم به انجام رسیده است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش در بردارنده ۱۶۷۵۳ بیمار ترومایی بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که در مجموع ۱۰۴ نفر بر اثر بکارگیری اسلحه گرم آسیب دیده بودند. علاوه بر این، بر اساس نتایج این پژوهش بکارگیری محدودیت‌ها و سخت‌گیری نگهداری و حمل اسلحه گرم در کاهش حوادث ناشی از آن الزامی به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، ایجاد سیستمی برای ثبت و بررسی این‌گونه آسیب‌ها ضروری است.

ارجمندی و نوروزی (۱۳۹۰)، به مطالعه شیوه حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه و رسم "خون‌بری" یا "خون‌بس" در مقطع زمانی ۱۳۸۸ پرداختند. رسم خون‌بری یا خون‌بس، به‌عنوان یکی از روش‌های سنتّی حلّ منازعات قومی با منشاء قتل در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه، مورد مطالعه قرار گرفته است. با استفاده از مطالعه کیفی به این نتیجه رسیده است که با وجود تشکیلات حقوقی و قضایی مدرن، بسیاری ازخانواده‌های جامعه عشایری شهرستان ایذه ترجیح می‌دهند، منازعات ناشی از قتل را از طریق رسم خون فیصله دهند.

افراسیابی (۱۳۹۴)، به بررسی اختیارات قانونی پلیس در بکارگیری سلاح گرم و تیراندازی و مطالعه تطبیقی سیاست جنایی در ایران و انگلستان پرداخت. در این مطالعه بیان می‌شود که ماموران پلیس ایران در جریان اقدامات روزانه می‌توانند در ۱۲ مورد در قانون بکارگیری سلاح در موارد ضروری با رعایت شروط حاکم بر آن از سلاح استفاده کنند. در انگلستان عموم مردم سلاح حمل نمی‌کنند و موارد کاربرد آن را انجمن افسران پلیس تعیین می‌کند. بر اساس قوانین این کشور پلیس زمانی می‌تواند از سلاح گرم استفاده کند که جان مأمور پلیس یا شهروندان در معرض خطر بیفتد و در زمینه تیراندازی باید از فرمانده ارشد کسب اجازه نمود. نتایج این مطالعه نشان داد که در خصوص تیراندازی و کاربرد سلاح گرم ضروری است که فقط برای حفظ جان ماموران پلیس و شهروندان از سلاح گرم استفاده شود و برای کشف جرم و دستگیری متهم از استفاده سلاح گرم خودداری شود.

سواری (۱۳۹۶)، به بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر گرایش به تیراندازی در مراسمات در بین قبایل و عشایر استان خوزستان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر گرایش مردم خوزستان به تیراندازی تأثیرگذار بوده است.

ب) مطالعات خارجی

Butts & et. al (2015) در مطالعه‌ای به بررسی شیوه‌های کاهش تیراندازی و خشونت با اسلحه پرداختند و تلاش کردند تا به مدلی برای کاهش خشونت با سلاح دست یابند. این مطالعه بیان کرد که پیشرفت واقعی و پایدار در مبارزه با خشونت با اسلحه مستلزم تغییر در هنجارها و نگرش‌های اجتماعی است که باعث ایجاد خشونت و استفاده از اسلحه می‌شود. این مطالعه به ارائه یک مدل خشونت با سلاح می‌پردازد. مدل درمان خشونت سلاح، یک رویکرد بهداشت عمومی برای کاهش خشونت با اسلحه است که می‌خواهد نگرش‌ها و هنجارهای فردی و جامعه را در مورد خشونت با اسلحه تغییر دهد. نتایج به‌دست آمده از این مطالعه، مدل خشونت با اسلحه را مشابه بیماری واگیردار می‌داند که در صورت عدم درمان از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود درمان خشونت با سلاح به طور مستقل نیازمند اجرای قانون است.

Banks & et. al (2017) اثر خشونت با اسلحه و سوء مصرف مواد به‌طور گسترده را مورد بررسی قرار دادند. این موضوع یکی از موضوعات گسترده بهداشت عمومی است که اخیراً مورد توجه بسیاری از رسانه‌ها و مقامات سیاسی قرار گرفته است. به منظور درک بهتر چگونگی پیوند این پدیده‌ها، این مقاله ابتدا پدیده‌های خشونت با اسلحه و سوء مصرف مواد را به صورت جداگانه شرح می‌دهد. در مرحله بعدی، این مقاله تلاقی خشونت با اسلحه و سو مصرف مواد، اثر مسمومیت بر خشونت اسلحه و اثر جرم‌انگاری استفاده از مواد مخدر در خشونت اسلحه را بررسی می‌کند. نتایج این مطالعه نشان داد که مصرف مواد مخدر می‌تواند اثر مثبت و معناداری بر تیراندازی و انجام رفتارهای خشونت‌آمیز با اسلحه داشته باشد.

Cukier & Eagen (2018) با استفاده از مدل اکولوژیکی سازمان بهداشت جهانی به بررسی نحوه شکل‌گیری عوامل و رفتارهای فردی در رابطه با خشونت با اسلحه پرداختند. این مطالعه بیان می‌کند که مردان جوان به‌طور نامتناسبی در میان عاملین و قربانیان خشونت با سلاح قرار دارند. اگر چه خصوصیات و رفتارهای خاص خطراتی را به

همراه دارد؛ اما این موارد با اشکال خاص خشونت متفاوت است. نتایج این مطالعه نشان داد که در دسترس بودن اسلحه خطر خشونت کشنده را افزایش می‌دهد. هنگامی که اسلحه وجود دارد، احتمال موفقیت در خودکشی و حمله با هدف قتل سایر افراد نیز بیشتر است. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که نگهداری سلاح و شیفتگی سلاح نشانگر رفتار ضد اجتماعی است. نیروهای گسترده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌توانند خشونت اسلحه را شکل داده و منعکس کنند.

Beardslee & et. al (2019) ارتباط مستقیم و غیر مستقیم بین آسیب اجتماعی اقتصادی کودکان و خشونت با اسلحه در نوجوانی آن‌ها پرداختند تا دریابند که عوارض زودرس اختلالات روانی و رفتاری به ایجاد خشونت با اسلحه در دوره نوجوانی می‌انجامد یا خیر. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۵۰۳ نفر از پسران سیاه‌پوست و سفیدپوست در مدرسه پیتسبورگ بودند. به‌طور خلاصه، این مطالعه نشان داد که آسیب اولیه اجتماعی ـ اقتصادی به‌طور مستقیم و غیر مستقیم با خشونت اسلحه در نوجوانان ارتباط دارد. نتایج نشان داد که مداخلات با هدف کاهش مشکلات وابستگی انحرافی گروه همسالان در دوران کودکی ممکن است مهمترین فرصت برای کاهش خشونت با اسلحه در محله‌های فقیرنشین باشد.

Barry & et. al (2019) به بررسی حمایت عمومی از جلوگیری سیاست‌های خشونت با اسلحه در بین افراد صاحب اسلحه و افراد بدون اسلحه پرداختند. هدف این مطالعه مقایسه میزان حمایت عمومی از ۲۴ سیاست‌گذاری‌های مختلف اسلحه بین دارندگان اسلحه و افرادی که اسلحه ندارند، در سال ۲۰۱۷ بوده است. این مطالعه در ژانویه ۲۰۱۷ با استفاده از یک پنل آنلاین، یک نظرسنجی عمومی را انجام داد تا میزان حمایت بزرگسالان ایالات متحده آمریکا از ۲۴ سیاست اعمال شده در زمینه بکارگیری اسلحه را اندازه‌گیری کند. نتایج مطالعه نشان داد که در ۲۳ مورد از ۲۴ خط‌مشی بررسی شده، بیشتر پاسخ‌دهندگان از محدود کردن یا تنظیم قوانین مالکیت اسلحه حمایت کردند.

Mitchell & et. al (2020) به بررسی اثر دیدن خشونت با اسلحه و تیراندازی و شنیدن صدای تیراندازی در مکان‌های عمومی پرداختند. این مطالعه بیان می‌کند که در حال حاضر تأکید بهداشت عمومی بر یافتن راهکارهایی برای کاهش خطرات مرتبط با قرار گرفتن کودکان در معرض خشونت با اسلحه و تیراندازی است. این مقاله به بررسی تأثیر دیدن و شنیدن تیراندازی و خشونت با اسلحه بر جوانان در سنین مختلف و زندگی در مناطق شهری و غیر شهری می‌پردازد. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۶۳۰ جوان، ۲ تا

۱۷ ساله بودند. جوانان، ۱۰ تا ۱۷ ساله، یک نظرسنجی از خود را به پایان رساندند و مراقبان کودکان خردسال، ۲ تا ۹ سال، نظرسنجی را به‌عنوان یک پروکسی برای آن کودک تکمیل کردند. شرکت‌کنندگان در بوستون، فیلادلفیا، پنسیلوانیا زندگی می‌کردند. نتایج مطالعه نشان داد که در مجموع، ۴۱٪ از جوانان در این مطالعه گزارش کرده‌اند که هرگز خشونت اسلحه را ندیده یا نشنیده‌اند. ۳۲٪ در سال گذشته چنین تجربه‌ای داشته‌اند. در بین جوانان در معرض خطر، ۵۰٪ برای محافظت از خود اقدام محافظتی انجام دادند و ۵۸٪ گزارش کردند که در اثر خشونت غیر مستقیم اسلحه بسیار ترسیده، غمگین یا ناراحت هستند. جوانان بیشتری که در شهر زندگی می‌کنند، در مقایسه با جوانان مناطق غیر شهری اقدامات محافظتی انجام دادند. زنان و کودکان خردسال احتمال بروز ترس زیاد در نتیجه خشونت را گزارش کرده‌اند. فعالیت‌های پیشگیری از خشونت اسلحه در حال حاضر نوجوانان را هدف قرار داده است. با این حال، یافته‌های فعلی نیاز به تمرکز بر روی کودکان کوچک‌تر در اثر خشونت و تیراندازی با سلاح را نیز نشان می‌دهد.

با توجه به مطالعات ذکر شده، هر چند مطالعاتی به‌صورت پراکنده و توصیفی برخی از متغیرهای مؤثر بر پدیده تیراندازی را بررسی کرده‌اند؛ تا کنون مطالعه‌ای کمّی و تحلیلی در ایران و در استان خوزستان به بررسی اثر بسترها و عوامل مؤثر بر گرایش به تیراندازی نپرداخته است که مجموعه عوامل مؤثر بر پدیده تیراندازی غیر مجاز شامل قانون‌گریزی، قوم‌گرایی، کنترل رسمی (شدت مجازات) و وضعیت روانی را به‌صورت کمّی و در قالب مطالعه‌ای میدانی از طریق طراحی پرسشنامه و به کمک آزمون‌های آماری و با استفاده از روش معادلات ساختاری تحلیل و بررسی کرده باشد. این پژوهش را می‌توان گامی نو در راستای ادبیات پژوهش در ایران و در استان خوزستان به‌شمار آورد.

مبانی نظری پژوهش

درباره تیراندازی و اعمال مجرمانه مشابه، رویکردهای نظری مختلفی وجود دارد و از منظرهای مختلف به این موضوع نگاه شده است. رویکردهای اصلی در این زمینه شامل سه رویکرد زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. رویکردهای زیست‌شناختی که مبتنی بر تیپ‌بندی‌هاست، دیدگاه‌های روان‌شناختی که فروید از مهم‌ترین آن‌هاست و رویکردهای جامعه‌شناختی با محوریت اندیشه‌های دورکیم[1]، پارسونز[2] و ... مهم‌ترین موارد

[1] Emile Durkheim
[2] Talcott Parsons

مورد نظر هستند (*Giddens, 2007: 184*). در ادامه به بررسی نظریات موجود در زمینه اثرگذاری هر یک از متغیرهای پژوهش بر تیراندازی‌های غیرمجاز خواهیم پرداخت.

قانون‌گریزی و گرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز

در تعریف مفهومی، قانون‌گریزی در واقع نوعی جهت‌گیری در برابر هنجارهای قانونی جامعه است که می‌تواند کج‌روی و انحراف را در پی داشته باشد. قانون‌گریزی در برخی از منابع معادل با نظم‌گریزی تعبیر می‌شود که نماینده قانع نبودن فرد به حقوق خود، تجاوز به حقوق دیگران، تکلیف‌گریزی و شانه خالی کردن از مسئولیت با هدف دستیابی به مقصود به هر شکل ممکن است (*Mirfardi & Faraji, 2017: 48*). از دیدگاه حقوقی می‌توان قانون‌گریزی را به‌صورت نادیده گرفتن قواعد رفتاری یا هنجارهایی تعریف کرد که ضمانت‌های رسمی برای اجرا دارند. رواج تکرار نقض ضمانت‌های اجرایی رسمی، می‌تواند تعیین‌کننده میزان قانون‌گریزی افراد در نظر گرفته شود (*Kalantari & et. al, 2005: 68*). اگر فرآیند اجتماعی شدن افراد به شیوه مناسبی انجام شده باشد، آن‌ها به رعایت قوانین علاقه‌مند می‌شوند و سعی می‌کنند از قانون تخطی نکنند. قانون‌گریزی یک پدیده حقوقی ـ اجتماعی است که در تقابل با قانون‌گرایی قرار می‌گیرد. قانون‌گریزی به‌صورت حیله نسبت به مقررات تعریف می‌شود که می‌تواند درجات متفاوتی داشته باشد (*Parvin, 2014: 177*).

قانون‌گریزی بر اساس ویژگی‌های آن به پنج دسته قانون‌گریزی عمومی، قانون‌گریزی اداری، قانون‌گریزی مالی، راهنمایی و رانندگی و قانون‌گریزی فرهنگی آموزشی تقسیم‌بندی می‌شود. در زمینه قانون‌گریزی نظریات مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه فشار ساختاری مرتون، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، نظریه قانون در عمل چمبلیس، نظریه عدالت رویه‌ای تام تیلر[1] اشاره کرد.

نظریه فشار ساختاری مرتون[2] بیان می‌کند که وجود برخی از ساختارهای اجتماعی می‌تواند با ایجاد فشار بر افراد باعث شود که آن‌ها به‌جای همنوایی ناهمنوا شوند. مرتون با تفکیک ساختار جامعه به دو ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی اشاره می‌کند. بر اساس استدلال مرتون، بی‌هنجاری زمانی به وقوع می‌پیوندد که شکافی عمیق میان اهداف و هنجارهای فرهنگی و ساختار اجتماعی اعضای گروه در همسویی با آن‌ها وجود داشته باشد

[1] Tom Tyler
[2] Robert K. Merton

(*Mirzaei & et. al, 2019: 200*). از جمله انتقادات وارد بر نظریه مرتون آن است که این نظریه نقش سایر عوامل کنترل اجتماعی، به‌خصوص عوامل مورد تأکید در نظریه‌های جرم‌شناسی مانند نظریه پیوند را در نظر نمی‌گیرد. افزون بر این بسیاری از منتقدان بیان می‌کنند که این نظریه تنها برای جامعه آمریکا بیان شده و از انجام مطالعه تطبیقی درباره ساختارهای اجتماعی و آنومی در آمریکا صرف نظر کرده است (*Stowell & et. al, 2009: 894*). تراوس هیرشی[1] در کتاب قیود اجتماعی[2] با بهره‌گیری از مفهوم کنترل اجتماعی دورکیم، پیوند اجتماعی را یکی از عوامل اثرگذار بر همنوایی افراد با هنجارهای اجتماعی در نظر می‌گیرد. از نظر وی بهترین سازوکار برای کنترل برای مقابله با این مسئله، ارتباط و پیوند خوردن با سایر افراد است (*Thie, 2005: 158*). این نظریه معتقد است که وجود پیوندهای قوی بین خانواده، مدرسه، دوستان، مذهب و نهادهای اجتماعی، می‌تواند کمترین میزان کج‌روی را در پی داشته، تضعیف پیوند افراد با جامعه و آزادی از قیدهای اجتماعی، احتمال کج‌روی را از بین می‌برد (*Kendall & Tamura, 2010: 304*). در این نظریه پیوند اجتماعی از نگاه هیرشی شامل (الف) علاقه و دلبستگی به هنجارهای فردی و نهادی، (ب) تعهد به همنوایی، (ج) مشارکت در فعالیت‌های متعارف و مرسوم، (د) باور به اعتبار اخلاقی هنجارها است. در نگاه هیرشی ضعف اعتقاد می‌تواند اثری مستقیم بر هنجارهای اجتماعی داشته باشد (*Mirzaei & et. al, 2019: 502*).

نظریه قانون در عمل چمبلیس بیان می‌کند قانون به شیوه‌ای وضع می‌شود که تأمین کننده منافع طبقه سرمایه‌دار باشد و این اطمینان را به‌وجود آورد که افراد پایین‌ترین طبقه اجتماعی به حقوق و دارایی افراد طبقه بالا تجاوز نمی‌کنند و امنیت آن‌ها را تهدید نخواهند کرد. ویلیام جی. چمبلیس در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی آورگی» و همچنین «اقتصاد سیاسی جرم» ادعا می‌کند که در واقعیت دو نوع قانون وجود دارد. یکی قانون در کتاب و دیگری قانون در عمل. قانون در کتاب همه مسئولان را به ایجاد عدالت و انصاف و تساوی حقوق با همه شهروندان فرا می‌خواند و قانون در عمل نشان‌دهنده چهره ظالمانه مسئولانی است که عمل آن‌ها در تضاد با فقرا و ناتوانان و در راستای منافع ثروتمندان و قدرتمندان است (*Siddiq Sarvestani, 2001: 68*). تام تیلر نیز بر اساس رویکرد روان‌شناسی در سطح خرد، بیان می‌کند که فرآیند کنترل از اجبار و اقتدار بیرونی ناشی شده و در نهایت به خودکنترلی درونی می‌انجامد. طبق دیدگاه

[1] Travis Hirschi
[2] Social Bond

هنجاری، دستیابی به همکاری داوطلبانه با اجرا کنندگان قانون نیازمند درونی کردن ارزش‌های تشویق‌گر اطاعت و فرمانبرداری در افراد است (*Amirkafi, 2015: 15*). رویکردها و راهبردهای کنترل اجتماعی مبتنی بر مدل بازدارندگی رفتار انسانی است؛ اما رویکردهای هنجاری اعتقاد دارند که مردم به‌دلیل باور خود نسبت به مشروعیت قانون از آن اطاعت می‌کنند. به‌عبارت دیگر، قانون هنجارهای اخلاقی و ارزشی را بیان می‌کند که به وسیله گروه‌های اجتماعی مسلط و تابع پذیرفته شده است. از نظر تیلر دو عامل مهم در اطاعت داوطلبانه از قانون نقشی اصلی را ایفا می‌کنند که این دو عامل اصول اخلاقی[۱] و مشروعیت[۲] است (*Tyler, 2001: 859*).

قوم‌گرایی و گرایش به تیراندازی‌های غیرمجاز

در تعریف مفهومی، قومیت را می‌توان به‌صورت تعلق به یک گروه قومی در نظر گرفت که در برگیرنده آگاهی درباره ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و سنت‌های مشترک است. قوم‌گرایی به‌صورت احساس وجود منشأ مشترک خیالی یا واقعی، سرنوشت مشترک، انحصار نسبی ارزشمند مشترک که سبب تقسیم‌بندی جوامع به خانواده‌های سیاسی مجزا و احتمالا خصمانه می‌شود (*Moayedfar & Rezaei, 2010: 28*). قوم‌گرایی را می‌توان به‌صورت «خودآگاهی سیاسی بین گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی و نژادی در یک سرزمین نسبت به هویت خود و نیز تفاوت گذاشتن بین گروه خود و سایر گروه‌های ساکن در یک سرزمین است (*Ahmadi, 2001: 15*). این مسئله باعث می‌شود که فرد فرهنگ خود را برتر دانسته و ارزش‌های اجتماعی درونی خود را به‌عنوان معیاری برای قضاوت درباره ارزش‌های اقوام دیگر در نظر می‌گیرد و حکم‌های ارزشی را درباره سایر فرهنگ‌ها و جوامع صادر خواهد کرد. از این مسئله تحت عنوان ناسیونالیسم قومی[۳] نیز یاد می‌شود (*Moayedfar & Rezaei, 2010: 41*). پس از گذشت سال‌ها و بروز انواع دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در کشور، هنوز آثار ناگواری از نزاع‌های جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای وجود دارد. خشونت و نزاع‌های قومیتی در فرهنگ بعضی از اقوام و قبایل دفاع از منزلت اجتماعی، فرهنگی و حیثیت خانوادگی به شمار می‌رود (*Haqpanah, 2003: 86*).

---

[1] morality
[2] legitimacy
[3] ethnic nationalism

از دیدگاه کاستلز قومیّت همواره بر اساس هویت مقاومت به‌عنوان مهم‌ترین شکل هویت‌سازی در جامعه پدید می‌آید. هویت مقاومت نوعی از هویت است که به ایجاد جماعت‌ها و اقوام منجر می‌شود (*Moayedfar & Rezaei, 2010: 41*). ریچارد جنکینز[1] هم قومیت را به‌عنوان راهی برای گفت و شنود درباره یکی از اصلی‌ترین معیارهای معاشرت انسانی در نظر می‌گیرد که راهی برای هویت‌یابی جمعی به شمار می‌آید و می‌تواند مفاهیمی مانند «ما» و «آن‌ها» را پدید آورد که دارای ساختاری اجتماعی همراه با اشاره‌هایی به فرهنگ است. از نظر جنکینز مدل اساسی قوم‌گرایی را می‌توان در قالب چهار گزاره زیر بیان کرد: الف) قومیت به جدایی فرهنگی می‌پردازد. ب) هرچند که قوم‌گرایی در واقع با فرهنگ مرتبط است؛ اما ریشه اصلی آن را باید نتیجه تعاملات اجتماعی دانست (ج) قوم‌گرایی از فرهنگ، پایداری بیشتری ندارد (د) قوم‌گرایی هم یک هویت فردی و هم یک هویت اجتماعی به شمار می‌آید (*Jenkins, 2004: 201*).

وضعیت روانی و گرایش به تیراندازی‌های غیرمجاز

بنابراین از نگاه برخی از روانکاوان عده‌ای همواره در جامعه پیدا می‌شوند که در روابط اجتماعی خود زود تحت تأثیر رفتارهای انحرافی قرار گرفته، به انحرافات اجتماعی دست می‌زنند. پاره‌ای از آنها نسبت به رفتار ناپسند خود آگاهی دارند، اما به سبب ضعف اخلاقی قادر به مهار و کنترل خود نیستند (*Mohammadian & Babaian, 2015: 236*). در زمینه اثرات وضعیت روانی بر گرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز نظریات متنوعی وجود دارد که در ادامه برخی از این نظریات مانند نظریه ناکامی ـ پرخاشگری، نظریه روانکاوی ـ پرخاشگری و نظریه یادگیری اجتماعی و پرخاشگری بررسی می‌شود.

نظریه ناکامی ـ پرخاشگری مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که پرخاشگری را به‌طور عمده الهام گفته از یک سائق بیرونی برای آسیب وارد کردن به دیگران در نظر می‌گیرد. اساس این نظریه، که دلارد، دوب، میلر، ماورر و سیرز[2] ارائه داده‌اند، بسیا ساده است: هر ناکامی موجب پرخاش می‌شود و هر پرخاش از یک ناکامی نشات می‌گیرد (*Ganji & Shafaei Moghaddam, 2005: 171*). در این نظریه پرخاشگری برآیند فرایندی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آن‌ها شکل می‌گیرد. ناکامی

[1] Richard Jenkins
[2] Dullard, Dub, Miller, & Sayers

حاصل از چنین فرآیندی در نهایت سبب بروز حرکات و رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز بین افراد می‌گردد. مهم‌ترین هدف یا اهدافی که به‌عنوان محور آسیب مورد توجه قرار می‌گیرند منبع یا منابع ناکامی هستند (*Mohseni Tabrizi & et. al, 1997: 201*). از جمله مفاهیم حائز اهمیتی که در جریان تحولات تئوری ناکامی ـ پرخاشگری وارد این تئوری شد، مفهوم جابجایی یا تعویض است. جابجایی به مفهوم تغییر کانون توجه فرد از عامل ایجادکننده تنیدگی روانی و ناراحتی و متوجه ساختن خشم به موضوع دیگری به‌عنوان جانشین است. به زعم روانشناسان، هر میل یا خواسته غریزی که به مانعی برخورد کند و مجال ارضا و تشفی نیابد، ایجاد تنیدگی روانی و ناراحتی می‌کنند، برای رفع این تنیدگی ناراحت‌کننده، میل مزبور یا پس‌زده می‌شود و به ناخودآگاه می‌رود، یا این که جای خود را به خواسته دیگری که اجابت آن سهل و مجاز است می‌دهد (*Savari, 2017: 31*).

در نظریه روانکاوی ـ پرخاشگری برخی از دانشمندان اظهار داشته‌اند که پاره‌ای از پرخاشگری‌ها مفید و حتی ضروری هستند. مثلا کنراد لورنز[1] استدلال کرده است که پرخاشگری بخشی لازم از سازمان صیانت ذات حشرات است. بر اساس مشاهدات خود از رفتار حیوانات، لورنز پرخاشگری را از نظر تکامل دارای اهمیت فوق العاده می‌داند، چه به حیوانات جوان امکان می دهد که قوی‌ترین و خردمندترین والدین را داشته و گروه را قادر می‌سازد تا بهترین رهبر را داشته باشد. شروود واشبورن[2]، مردم شناس و داوید همبورگ[3]، روانپزشک در نتیجه مطالعات خود متوجه شدند که پرخاشگری در گروهی از میمون‌ها نقش مهمی در تغذیه، تولید مثل و تعیین نحوه تسلط ایفا می‌کند. قوی‌ترین و پرخاشگرترین مذکر گروه از طریق ابراز پرخاشگری اولیه مقام مسلط را به خود اختصاص می‌دهد. این امر از وقوع جنگ‌های جدی بین افراد گروه جلوگیری می‌کند. به‌علاوه چون مذکر مسلط در عمل تولید مثل نیز پیش می‌گیرد، شانس بقای گروه با انتقال قدرت و نیرومندی مذکر قوی به نسل‌های بعدی بیشتر می‌شود. با توجه به این یافته‌ها، عده‌ای معتقدند که در مهار پرخاشگری انسان باید جانب احتیاط را رعایت کند و اظهار می‌دارند که در انسان هم مانند حیوانات پرخاشگری برای بقای نسل لازم است (*Mohseni Tabrizi & et. al, 1997: 204*). نظریه یادگیری اجتماعی[4] و پرخاشگری در تبیین آسیب ها و انحرافات اجتماعی متفاوت از جمله توزیع سلاح‌های غیر مجاز معتقدند که

[1] Konrad Lorenz
[2] Sherwood Washburn
[3] David Hamburg
[4] social learning theory

رفتارهای انحرافی در جریان پیوند و تعامل با افراد منحرف آموخته می‌شوند و در این میان نقش گروه همسالان مهم به نظر می‌رسد (*Salimi & et. al, 2011: 7*).

استخراج متغیرهای تحقیق از چارچوب نظری

درتحقیق حاضر سعی شده که از چند منبع به صورت تلفیقی استفاده شود. یکی نظریه‌های اکولوژیکی ـ محیطی، نظریه اجتماعی شدن، نظریه بی‌سازمانی، نظریه پیوند افتراقی هیرشی و نظریه کنترل، نظریه قوم‌گرایی با تأکید بر نظریه ریچاد جنکینز که نقش برجسته‌ای در تشکیل چارچوب نظری پژوهش حاضر داشته‌اند. بر اساس آنچه گفته شد متغیرهایی که برای آزمون از چارچوب نظریه منتخب، استخراج شده‌اند عبارتند از: قوم‌گرایی و قانون‌گریزی، وضعیت روانی افراد و شدت مجازات کیفری (کنترل رسمی) به‌عنوان ۴ متغیر مستقل مؤثر بر گرایش بر تیراندازی غیر مجاز شهروندان اهوازی در این مطالعه هستند. نظریه‌پردازان معتقدند که قوم‌گرایی نوعی دیدگاه فرهنگی است که از خصایص جوامع غیر قومی محسوب می‌شود؛ و بر اساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها و هنجارهای خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند؛ و با دیدگاه‌های قالبی خویش درباره دیگر اقوام قضاوت می‌کنند (*Jahanbin, 2014: 7*). ریچارد جنکینز هم قومیت را به‌عنوان راهی برای گفت و شنود درباره یکی از اصلی‌ترین معیارهای معاشرت انسانی در نظر می‌گیرد که راهی برای هویت‌یابی جمعی به شمار می‌آید و می‌تواند مفاهیمی مانند «ما» و «آن‌ها» را پدید آورد که دارای ساختاری اجتماعی همراه با اشاره‌هایی به فرهنگ است. بسیاری از مشاهدات و مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهند که فرهنگ اقوام حاضر در ایران مبتنی بر روحیه سلحشوری و به‌کارگیری سلاح به‌عنوان بخشی از فرهنگ قومیتی در مراسمات عزا و عروسی و همچنین در زمینه دفاع و جنگاوری است. بر همین اساس سلاح و تیراندازی از دیرباز به‌عنوان بخشی گسست‌ناپذیر از روحیه و فرهنگ قومی در ایران و به‌ویژه در استان خوزستان شناخته می‌شده است.

در زمینه قانون‌گریزی نظریات مختلفی وجود دارد، نظریه پردازان نظریه بی‌سازمانی اجتماعی[1] بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تعلقات خویشاوندی به‌عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی، کاهش انسجام اجتماعی به عنوان پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی

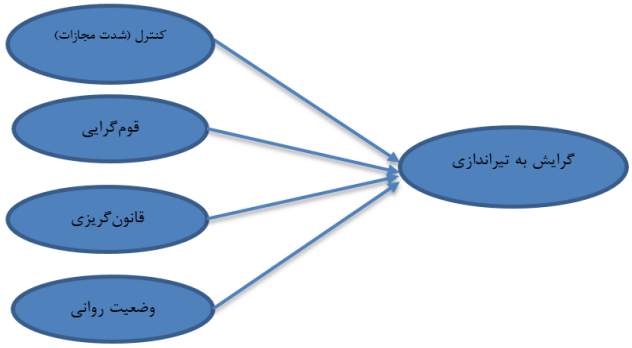
[1] social disorganization theory

حوزه‌های شهری است که جرایمی نظیر قتل، سرقت، انحراف جنسی، اعتیاد و سایر رفتارهای بزهکارانه را افزیش می‌دهند (*Ahmadi, 2001: 121*). ذیل این عنوان کارهای نظری زیادی صورت گرفته که عبارتند از: نظریه آنومی دورکیم، نظریه ساخت اجتماعی و آنومی مرتون، نظریه بوم شناختی پارک و برجس (*Mohseni Tabrizi & et. al, 1997: 204*).

طبق نظریه کنترل برای اینکه بتوان بستری از گرایش به تیراندازی غیر مجاز را تعریف و جهت‌گیری آن را تعیین کرد، باید دو دیدگاه جرم‌شناسانه برای آن بیان کرد. یک دیدگاه وسیع است و نقش مؤثرتری در پیشگیری دارد و دیدگاه محدود نقش کمتری را در پیشگیری از گرایش به تیراندازی غیر مجاز اعمال می‌کند. در واقع، طبق نظریه کنترل تمامی اقدامات کیفری و غیر کیفری قبل و پس از جرم جزئی از اقدامات پیشگیرانه جهت جلوگیری از اقدام به تیراندازی‌های غیر مجاز محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که کنترل رسمی و غیر رسمی (شدت مجازات) تنها شامل برخورد فیزیکی نبوده و می‌تواند از طریق محدود کردن شرایط محیطی ارتکاب و ابزارهای جرم نیز اعمال شود؛ بنابراین داشتن قانون مدون برای پیشگیری و کنترل از وقوع جرایم خشن مانند تیراندازی‌های غیر مجاز نیاز به هماهنگی میان نهادهای مجری و سیاست‌گذاران قانونی در تمام زوایای پیشگیرانه از جرم دارد. همچنین بسیاری از مطالعات انجام گرفته پیشنهاد مشارکت مردمی در این زمینه را دارند (کنترل غیر رسمی) (*Moazzen Zadegan, 2016: 50*). مهم‌ترین مفهومی که در این نظریه از آن یاد می‌شود، هماهنگی فرهنگی است. بر اساس این مفهوم، میان ارزش‌های اساسی یک جامعه و پدیده‌ای اجتماعی مانند خشونت ارتباط و هماهنگی وجود دارد (*Zanjanizadeh Ezazi, 2006*). به مجموع وسایل و شیوه‌هایی اشاره دارد که با استفاده از آنها، یک گروه یا یک نظریه کنترل اجتماعی واحد، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها و قواعد رفتاری و حتی آداب و رسوم منطبق با گروه، سوق می‌دهند. کنترل اجتماعی در اصطلاح جامعه‌شناسی دارای دو معنی است: الف (مجموع عوامل محسوس و نامحسوسی که یک گروه اجتماعی، به قصد حفظ یگانگی خود، در راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری اشخاص به کار می‌برد؛ به مجموع موانعی که گروه اجتماعی به قصد جلوگیری افراد از کج‌روی اجتماعی سر راه آنان به وجود می‌آورد (*Shayan Mehr, 2004: 33*).

در توضیح متغیر وضعیت روانی فرد با توجه به تبیین‌های جامعه‌شناختی علت‌های رفتاری انحراف‌آمیز بر حسب اجتماعی شدن ناقص، راچنین بیان کرده‌اند: برابر با یکی از

این رهیافت‌ها فردی که درست اجتماعی نشده است، هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود عجین نمی‌سازد، و برای همین نمی‌تواند میان رفتار شایسته و رفتار ناشایسته تمایز گذارد. یکی دیگر از نظریه‌هایی که برای تبیین خشونت مجرمانه مطرح شده است، نظریه خرده فرهنگ خشونت است. به عقیده ولف‌گنگ[1] و فراکوتی[2]، خشونت می‌تواند ابزار مشروعی برای حل تعارضات اجتماعی تلقی شود. به‌عبارت دیگر، در برخی از خرده فرهنگ‌ها، عرف و فرهنگ رایج، استفاده از خشونت را در موقعیت‌های خاصی تجویز می‌کند (*Najafi Abrand Abadi, 2011*). این محققان، چنین خرده فرهنگ‌هایی را خرده فرهنگ خشونت می‌خوانند. در نهایت با توجه به پیشینه پژوهش و مبانی نظریه بیان شده در زمینه موضوع تحقیق الگوی مفهومی پژوهش را می‌توان به‌صورت شکل ۱ بیان کرد.



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش

Figure 1: *Empirical Conceptual Framework*

فرضیات پژوهش

بر اساس مدل مفهومی در نظر گرفته شده در این مطالعه می‌توان فرضیات پژوهش را به‌صورت زیر بیان کرد:

۱- وضعیت روانی افراد برگرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز تأثیرگذار است.

[1] Marvin Wolfgang
[2] Franco Ferracuti

۲- شدت مجازات کیفری (کنترل) برگرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز تأثیرگذار است.

۳- قوم‌گرایی برگرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز تأثیرگذار است.

۴- قانون‌گریزی برگرایش به تیراندازی‌های غیرمجاز در شهر اهواز تأثیرگذار است.

روش‌شناسی پژوهش

پارادایم تحقیق حاضر از نوع اثباتی است. رویکرد تحقیق حاضر با توجه به پارادایم اثباتی از نوع رویکرد تحقیق کمی است. با توجه به اهداف پژوهش، روش پژوهش از نوع کمی ـ پیمایشی است. حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از آزمون‌های استنباط آماری برآورد شده است. برای تعیین حجم نمونه بر اساس کار پروفسور رینگل و پروفسور جانسون (۲۰۰۴)، مدل ساختاری پژوهش حاضر به ۴ معادله رگرسیون تجزیه شده است. محقق نیز در این محاسبه‌گر بر اساس اندازه اثر، تعداد متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار و توان ۸۰ درصد و نیز سطح معناداری ۵ درصد دو سناریو اصلی برای حجم نمونه خود در بازه اطمینان ۹۵ درصد و ۹۹ درصد محاسبه می‌کند تا با ارزیابی توان خود یکی از این دو سناریو را انتخاب نماید.

جدول ۱: سناریوهای تعیین حجم نمونه

Table 1: *Sample Size Scenarios*

اندازه اثر	۰/۱۹
Anticipated Effect Size	
توان آزمون	۰/۸۰
Desired Statistical Power Level	
تعداد متغیرهای پنهان	۵
Number of Latent Variables	
تعداد متغیرهای آشکار	۳۰
Number of Observed Variables	
سطح معناداری	۰/۰۵
Probability Level	
Minimum Sample Size to Detect Effect:	۴۲۰
Ture: Minimum Sample Size For Model Stru	۲۳۳
Recommended Minimum Sample Size:	۴۲۰

در نهایت بعد از ابطال بعضی از پرسشنامه‌ها بدلیل ناقص بودن اطلاعات به ۳۲۰ نمونه دست یافتیم. در این تحقیق برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ پس از تهیه و تدوین پرسشنامه از یک مطالعه مقدماتی ۴۰ نفری جهت بررسی همبستگی بین سؤالات از این ضریب استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ هرکدام از متغیرها در جدول (۴) آورده شده است. پس انجام بررسی‌ها، محققین جامعه در دسترس خود را چهار منطقه از مناطق هشت‌گانه اهواز قرار دادند. به جهت اینکه سؤالات پرسشنامه برای سنین بالاتر از۱۵ سال طراحی شده بود، محققین تصمیم گرفتند، چارچوب نمونه‌گیری خود را به روی افراد بالای ۱۵ سال متمرکز نمایند. بر همین اساس، برای فهرست بخشی دیگر از صفات پاسخگویان، سن بالای ۱۵ سال در نظر گرفته شد. هم‌چنین برای عملیاتی شدن پیمایش با توجه به شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای[1] استفاده شده است. با توجه به عناصری هم‌چون وسعت و پراکندگی منطقه و حجم خانوار، برای بهبود فرآیند مشخص‌سازی نمونه مورد توجه قرار می‌گیرند، تا نمایان‌ترین روش نمونه‌گیری برای انجام این پیمایش برگزیده شود. ابتدا مناطق، ۲، ۳، ۴، ۶ و برمبنای اطلاعات قبلی و دانش عمومی پژوهشگر از بین مناطق اهواز انتخاب شده است و از هر منطقه دو محله و از هر محله سه بلوک انتخاب و در ادامه از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده، پلاک‌های معین انتخاب شده‌اند. از آن‌جایی که واحد تحلیل، واحدی است که اطلاعات آن گردآوری می‌شود. واحدی که خصوصیات آن توصیف می‌شود؛ بنابراین از هر پلاک یک خانوار انتخاب و یکی از افراد همان خانوار مورد مشاهده قرار گرفته است.

جدول ۲: مقادیر آلفای کرونباخ

Table 2: *Cronbach Alpha Values*

متغیرها	آلفای کرونباخ
Variables	*Cronbach's Alpha*
وضعیت روانی	۰/۸۶۳
شدت مجازات کیفری	۰/۸۶۴
قوم‌گرایی	۰/۹۰۴
قانون‌گریزی	۰/۹۳۵
گرایش به تیراندازی غیر مجاز	۰/۹۰۶

[1] multi stage cluster sampling

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب بدست آمده برای سؤالات هر یک از متغیرهای پرسش‌نامه بالای ۷۰٪ بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهشی ابزار پایا و اعتمادپذیر بوده است. ضمناً آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته بین ۰/۷۵ تا ۰/۹۵ است که مقداری بسیار خوب در نظر گرفته می‌شود. در تحلیل داده‌های کمی پژوهش برای آمار توصیفی از قابلیت‌های نرم‌افزار *SPSS* و برای مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار *Amos* استفاده شده است. درتعریف عملیاتی برای متغیرهای این پژوهش، برای هر یک از متغیرهای اصلی موجود در مدل گرایش به تیراندازی شامل قوم گرایی (۶ سؤال)، قانون‌گرایی (۸ سؤال)، کنترل رسمی (شدت اعمال مجازات)، (۴ سؤال)، وضعیت روانی (۶ سؤال) و گرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز (۶ سؤال) یک پرسش‌نامه مجزا طراحی شده است. سؤالات پرسش‌نامه این تحقیق از نوع سؤالات بسته بوده و به‌عنوان مقیاس اندازه‌گیری از یک مقیاس۷ درجه‌ای مشابه با مقیاس لیکرت استفاده شده است. پیوستار مربوط به متغیر گرایش به تیراندازی غیر مجاز ۷ درجه‌ای بوده و ارزش عددی آنها مانند سایر سؤالات پرسشنامه بوده است.

یافته‌های پژوهش (توصیفی و استنباطی)

یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از لحاظ جنسیت مردان بیشترین تعداد (۲۰۹) نفرحدود ۶۵/۳ درصد و خانم‌ها (۱۱۱) نفر حدود ۳۴/۷ درصد نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. از لحاظ ترکیب سنی کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی بیشتر از شصت سال ۱۰ نفر با ۳/۱ درصد و افراد بین ۴۰-۳۰ سال با ۳۲/۸ درصد بیشترین فراوانی نمونه تحقیق را تشکیل می‌دهند. گروه سنی بیست تا سی سال و چهل تا پنجاه سال به ترتیب با فراوانی ۸۸ نفر و۷۳ نفردر مرتبه‌های بعدی گروه‌های سنی نمونه تحقیق هستند.

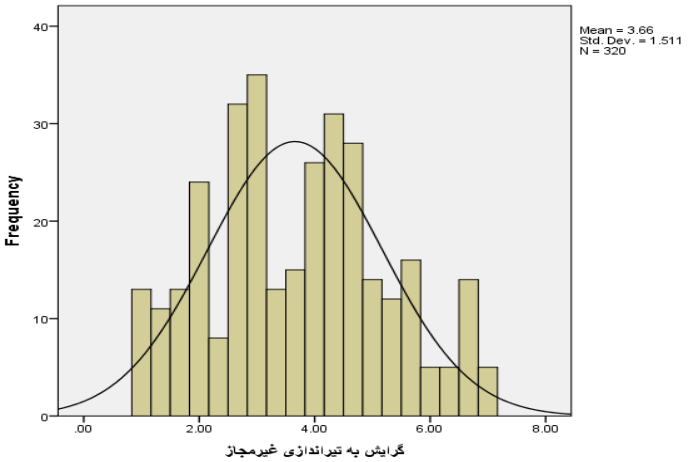
آمار توصیفی متغیرهای مفهومی

جدول ۳: نتایج توصیفی متغیرهای تحقیق

Table 3: *Descriptive Statistics of Variables*

	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	چولگی		کشیدگی	
	آماره	آماره	آماره	خطای استاندارد	آماره	خطای استاندارد	آماره
وضعیت روانی	۳۲۰	۴/۷۶۸۸	۱/۳۶۵۴۰	۰/۱۳۶	-۰/۰۹۹	۰/۲۷۲	-۰/۰۹۳۶
مجازات کیفری	۳۲۰	۳/۴۴۵۳	۱/۴۳۶۹۴	۰/۱۳۶	۰/۰۶۹	۰/۲۷۲	-۰/۸۴۷
قوم‌گرایی	۳۲۰	۳/۲۳۹۱	۱/۴۱۲۲۶	۰/۱۳۶	۰/۲۸۷	۰/۲۷۲	-۰/۷۹۹
قانون‌گریزی	۳۲۰	۴/۰۰۳۴	۱/۲۶۷۶۸	۰/۱۳۶	-۰/۲۴۱	۰/۲۷۲	-۰/۰۱۵
گرایش به تیراندازی	۳۲۰	۳/۶۵۸۳	۱/۵۱۰۹۴	۰/۱۳۶	۰/۱۹۹	۰/۲۷۲	-۰/۶۴۵
Valid N (Listwise)	۳۲۰						

اطلاعات جدول ۳ حاکی‌ازآن است‌که میانگین متغیرهای مجازات کیفری، قوم‌گرایی و گرایش به تیراندازی تحقیق کمتراز عدد ۴ است که با توجه به طیف ۷ درجه‌ای پرسشنامه نشان‌دهنده توافق کم این متغیرها با متغیرهای دیگر نمونه‌است، خوشبختانه چولگی بین (۳+ و ۳-) و کشیدگی بین (۵+ و ۵-) است؛ بنابراین توزیع ما یک توزیع نرمال خواهد بود و ما حق استفاده از هر نوع روش‌آماری که شرط نرمال بودن را خواهیم داشت. شکل ۲ توزیع نرمال متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۲: توزیع نرمال بودن متغیرهای تحقیق
Figure 2: Normality of Variables

آمار استنباطی و تجزیه و تحلیل داده‌ها

معادلات اندازه‌گیری

مدل اندازه‌گیری پژوهش بعد از اجرا در نرم‌افزار در بررسی شروط لازم روایی سازه برای هر یک از متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برقرار بوده است. یعنی با توجه به شرط اول لازم روایی سازه باید بارهای عاملی معنادار باشند. با توجه به مقادیر $T\ value$ که نسبت بحرانی خارج از بازه (۱/۹۶، ۱/۹۶-) قرار دارد یا مقادیر $sig = pvalue = p$ که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ هیچ‌یک از سؤالات متغیرهای مکنون مخل شرط اول روایی سازه نیستند؛ زیرا از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند.

شرط دوم لازم برای روایی سازه این است که ضرایب بار عاملی بالای عدد ۰/۵ باشد. مشاهده می‌شود که کلیه ضرایب بار عاملی سوالات متغیر بهداشت روانی از نقطه برش ۰/۵ بزرگ‌تر هستند؛ بنابراین کلیه سؤالات این متغیر مکنون شروط باقی ماندن در مدل اندازه‌گیری را دارا هست و هیچ سؤالی از این متغیر حذف نمی‌شود.

جدول ۴: شاخص‌های برازش اولیه مدل اندازه‌گیری اولیه

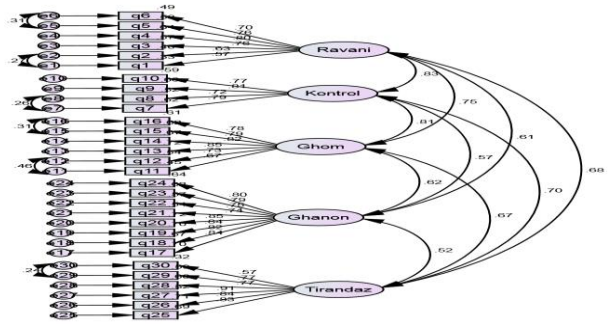
Table 4: *Primary Estimation Indices for Measurement Model*

شاخص‌های برازش	نوع شاخص برازش	حد مجاز	مقدار بدست آمده قبل اصلاح
CMIN/DF	شاخص‌های مقتصد	کوچکتر از ۳	۳/۰۹۹
RMSEA	شاخص‌های مقتصد	کوچکتر از ۰/۰۸	۰/۰۸۱
PNFI	شاخص‌های مقتصد	بزرگتر از ۰/۵	۰/۷۶۰
GFI	شاخص‌های مطلق	بزرگتر از ۰/۸	۰/۷۸۹
AGFI	شاخص‌های مطلق	بزرگتر از ۰/۸	۰/۷۵۲
NFI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۳۷
IFI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۸۳
RFI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۲۰
CFI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۸۳
TLI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۷۱

متأسفانه در بخش شاخص‌های مقتصد، شاخص‌های مطلق و مقایسه‌ای وضعیت برازش مناسب نیست و از نظر برازش نیاز به اصلاحات در مدل وجود دارد. بنابراین مدل اندازه‌گیری اولیه رد می‌شود. نرم‌افزار پیشنهادات بسیاری برای اصلاح برازش به ما ارائه می‌دهد؛ اما بسیاری از این پیشنهادات از نظر ادبیات آماری و پژوهشی امکان‌پذیر نیست.

مدل اندازه‌گیری اصلاح‌شده

مدل اولیه پژوهش در برازش مدل دارای ایرادات ساختاری بود؛ بنابراین محقق باید مدل اندازه‌گیری را در این بخش اصلاح نماید؛ و پس از اینکه روی پیشنهادات نرم‌افزار فیلترهای عملی و ادبیاتی اعمال گردید؛ شش پیشنهاد $e_5 \leftrightarrow e_6$، $e_1 \leftrightarrow e_2$، $e_7 \leftrightarrow e_8$، $e_{11} \leftrightarrow e_{12}$، $e_{15} \leftrightarrow e_{16}$ و $e_{29} \leftrightarrow e_{30}$، به‌صورت موارد فوق اجرا گردید. مدل اصلاح شده پس از انجام اصلاحات به‌صورت شکل ۳ است.



شکل ۳: مدل اندازه‌گیری اصلاح شده در حالت تخمین ضرایب استاندارد

Figure 3: *Modified Measurement Model in Standard Coefficient Estimation Mode*

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری اصلاح شده

Table 5: *Modified Measurement Model Fit Indices*

شاخص‌های برازش	نوع شاخص برازش	حد مجاز	مقدار بدست آمده قبل اصلاح	مقدار بدست آمده بعد اصلاح
CMIN/DF	شاخص‌های مقتصد	کوچکتر از ۳	۳/۰۹۹	۲/۷۰۲
RMSEA	شاخص‌های مقتصد	کوچکتر از ۰/۰۸	۰/۰۸۱	۰/۰۷۳
PNFI	شاخص‌های مقتصد	بزرگتر از ۰/۵	۰/۷۶۰	۰/۷۶۹
GFI	شاخص‌های مطلق	بزرگتر از ۰/۸	۰/۷۸۹	۰/۸۲۲
AGFI	شاخص‌های مطلق	بزرگتر از ۰/۸	۰/۷۵۲	۰/۷۸۷
NFI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۳۷	۰/۸۶۰
IFI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۸۳	۰/۹۰۷
RFI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۲۰	۰/۸۴۳
CFI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۸۳	۰/۹۰۶
TLI	شاخص‌های مقایسه‌ای	بزرگتر از ۰/۰۹	۰/۸۷۱	۰/۸۹۵

مدل اندازه‌گیری اصلاح‌شده در هر دسته شاخص‌های اقتصادی مطلق و مقایسه‌ای صاحب نیکویی برازش است؛ بنابراین می‌توان وظیفه اصلی مدل اندازه‌گیری یعنی بررسی روایی و پایایی سازه پرداخت. شاخص‌های روایی و پایایی (همگرا و واگرا) سازه در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: بررسی شاخص‌های روایی و پایایی

Table 6: *Review of Validity and Reliability Indicators*

متغیرمکنون	*CR*	*AVE*	*MSV*	*ASV*
وضعیت روانی	۰/۸۳۲	۰/۵۷۳	۰/۴۱۷	۰/۲۸۰
شدت مجازات کیفری	۰/۸۹۱	۰/۶۲۳	۰/۱۴۷	۰/۰۸۷
قوم‌گرایی	۰/۸۹۶	۰/۵۹۰	۰/۴۱۷	۰/۲۲۷
قانون‌گریزی	۰/۸۳۹	۰/۵۱۴	۰/۲۴۴	۰/۱۳۵
گرایش به تیراندازی	۰/۸۰۸	۰/۵۳۷	۰/۳۱۱	۰/۱۹۴

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد مقدار *CR* از ۰/۷ بیشتر است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، که سوالات در درون مدل دارای همسانی است و مدل دارای پایایی ترکیبی بوده است. آزمون میزان *AVE*؛ شرط دیگر روایی این است که مقدار میانگین واریانس استخراجی از ۰/۵ باید بزرگتر باشد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که مقدار *AVE* برای تمام متغیرها از ۰/۵ بزرگتر بوده است که نشان از همبستگی متغیرها با سوالات خود دارد. همچنین مقدار *CR>AVE* است. یافته‌های جدول فوق حاکی از آن است که مقدار *CR* برای تمام متغیرهای فوق از مقدار *AVE* بیشتر بوده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مدل اندازه‌گیری انعکاسی دارای روایی همگراست. شاخص‌های بیان شده در بخش روایی واگرا یعنی *MSV* و *ASV* به بررسی واگرایی سؤالات هر مجموعه از مجموعه دیگر می‌پردازد که مقدار *AVE* باید از مقادیر *MSV* و *ASV* بزرگتر باشد. یافته‌های جدول ۶ حاکی از آنست که مقدار *AVE* برای تمام متغیرها از مقدار *MSV* و *AVE* بیشتر بوده است.

آزمون‌های مدل ساختاری

آزمون معناداری و کیفیت ضریب مسیر: در سطح اطمینان ۹۰ درصد، ۹۵ درصد و ۹۹ درصد این مقدار به ترتیب با حداقل آماره تی ۱/۶۴، ۱/۹۶ و ۲/۵۸ مقایسه می‌شود. در جدول ۷ ضرایب مسیر و سطح معناداری آورده شده است.

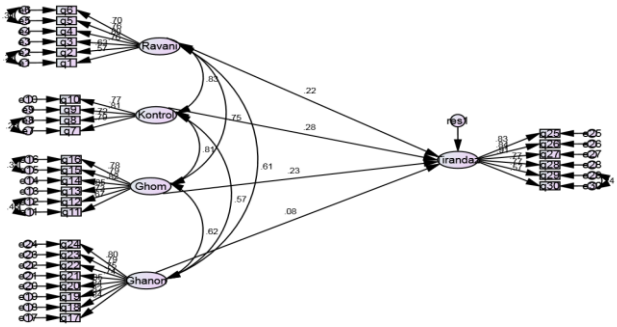
جدول ۷: ضرایب مسیر و سطح معناداری متغیرها

Table 7: *Path Coefficients and Significance Level of Variables*

فرضیه	ضریب مسیر	*T-Value*	*P-Value*	نتیجه
۱- بهداشت روانی برگرایش به تیراندازی در شهراهواز تأثیر دارد	۰/۳۱۶	۱/۹۴	۰/۰۵	معنادار نیست
۲- شدت مجازات برگرایش به تیراندازی در شهراهواز تأثیر دارد	۰/۲۹۵	۲/۱۳۹	۰/۰۳۲	معنادار است
۳- قوم‌گرایی برگرایش به تیراندازی در شهراهواز تأثیر دارد	۰/۳۰۲	۲/۲۸۰	۰/۰۲۳	معنادار است
۴- قانون‌گریزی برگرایش به تیراندازی در شهراهواز تأثیر دارد	۰/۰۸۷	۱/۲۹۳	۰/۱۹۶	معنادار نیست

با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول ۸ می‌توان درباره رد یا پذیرش فرضیات پژوهش تصمیم‌گیری کرد. از آن‌جا که مقدار *T-Value* که داخل بازه ۱/۹۶ و۱/۹۶- قرار دارد و نیز *P-Value* بزرگتر از ۰/۰۵ است؛ این مطلب بیانگرعدم معناداری تأثیر بهداشت روانی افراد بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز است؛ زیرا در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای ۰/۰۵ کوچکتر از حد آستانه‌ای ۱/۹۶، اثر متغیر بهداشت روانی افراد بر گرایش به تیراندازی غیرمجاز معنادار نیست. در نتیجه فرضیه H_0 پذیرفته و فرض H_1 رد می‌شود. از این‌رو، فرضیه اول پژوهش مبنی بر تاثیر بهداشت روانی افراد بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز در تحقیق رد می‌گردد. از سوی دیگر، با توجه به مقدار *T-Value* به‌دست آمده برای آزمون فرضیه دوم، از آن‌جا که مقدار *T-Value* برآورد شده خارج از ۱/۹۶ و۱/۹۶- قرار دارد و نیز مقدار *P-Value* که کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین با احتمال ۹۵ درصد، فرضیه H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود. بدان معنا که سطح مجازات کیفری (کنترل رسمی) اثر معناداری بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز دارد؛ بنابراین می‌توان گفت این فرضیه دوم این پژوهش با احتمال ۹۵ درصد در همان جامعه قابل تعمیم است. همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می گردد، ضریب مسیر به‌دست آمده برای اثر متغیر قوم‌گرایی با گرایش به تیراندازی غیر مجاز در شهراهواز معنادار بوده است؛ زیرا در سطح اطمینان ۹۵ درصد مقدار ضریب برآورد شده برای فرضیه سوم پژوهش، بزرگتر از حد آستانه‌ای ۱/۹۶ است. در نتیجه، می‌توان گفت که فرضیه تأثیر قوم‌گرایی بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز در شهر اهواز تأیید می‌گردد و می‌توان این فرضیه را با احتمال ۹۵ درصد به جامعه تعمیم داد. در نهایت، برای تصمیم‌گیری درباره فرضیه چهارم پژوهش، درباره اثر معنادار

قانون‌گریزی بر گرایش به تیراندازی در شهر اهواز، با توجه اینکه مقدار *T-Value* برآورد شده در داخل بازه ۱/۹۶ و۱/۹۶- قرار گرفته است و همچنین مقدار *P-Value* به‌دست آمده نیز بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ بوده است؛ این مطلب بیانگر عدم معناداری تاثیر قانون‌گریزی بر گرایش به تیراندازی غیرمجاز خواهد بود. چرا که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای ۰/۰۵ کوچکتر از حد آستانه ای ۱/۹۶، متغیرقانون‌گریزی بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز معنادار نیست. در نتیجه فرضیه H_0 پذیرفته و فرض H_1 رد می‌شود. از این‌رو، فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر تأثیر قانون‌گریزی بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز در تحقیق رد می‌گردد.



شکل ۳: مدل ساختاری در حالت تخمین ضرایب استاندارد

Figure 3: *Structural Model in the Case of Estimating Standard Coefficients*

در نهایت، ضریب مسیر متعلق به فرضیات پژوهشی در این مطالعه در جدول ۸ آورده شده است. شدت و جهت تأثیر در فرضیه دوم پژوهشی را مقدار بتا (*B*) تعیین می‌کند که برابر ۰/۲۸۳ بوده است؛ یعنی شدت مجازات کیفری بر گرایش به تیراندازی به اندازه ۰/۲۸۳ واحد شدت اثر دارد. همچنین جهت آن با توجه به علامت مثبت بتا مثبت بوده است. همچنین شدت و جهت تأثیر در فرضیه سوم پژوهشی برابر ۰/۲۲۸ است یعنی قوم‌گرایی بر گرایش به تیراندازی به اندازه ۰/۲۲۸ واحد شدت اثر دارد. همچنین جهت آن با توجه به علامت مثبت بتا مثبت است و این دو متغیر بر متغیر درون‌زای گرایش به تیراندازی غیر مجاز تأثیر مثبت و معناداری داشته‌اند.

جدول ۸: ضریب مسیر فرضیات پژوهشی
Table 8: Path Coefficient of Empirical Hypothesis

متغیر برون‌زا	سوی اندازه‌گیری	متغیردرون‌زا	ضریب مسیر
شدت مجازات کیفری	--------- >	گرایش به تیراندازی	۰/۲۸۳
قوم‌گرایی	--------- >	گرایش به تیراندازی	۰/۲۲۸

نتیجه‌گیری

تیراندازی‌های غیر مجاز در بسیاری از مناطق کشور تبدیل به پدیده‌ای نسبتاً رایج شده که می‌تواند تهدیدی اساسی برای آرامش و امنیت در مناطق شهری و هم‌چنین یکی از عوامل اصلی از بین‌برنده احساس امنیت در محیط‌های شهری و حاشیه‌ای کلان‌شهرها باشد. استان خوزستان و شهر اهواز نیز به دلایل مختلف از جمله فرهنگ عشیره‌ای و قبیله‌ای اقوام، آداب و رسوم سنتی در مراسم عزا و عروسی و ... برای سال‌های طولانی با جوانب مختلف این پدیده دست به گریبان بوده است. یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای مقابله با این پدیده شناسایی بسترها و عوامل تأثیرگذار بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز در شهر اهواز و بررسی این پدیده از جوانب مختلف حقوقی و قانونی، اجتماعی، جامعه‌شناسی و روانی است. تا کنون مطالعه‌ای در ایران و در استان خوزستان انجام نشده است که به بررسی عوامل تأثیرگذار بر پدیده تیراندازی‌های غیر مجاز و بررسی کمی عوامل مؤثر بر این پدیده پرداخته باشد. این مطالعه را می‌توان در زمره اولین گام‌های برداشته شده در راستای بررسی بسترها و عوامل اثرگذار بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز در شهر اهواز دانست. بر همین اساس، پس از بررسی گسترده پیشینه پژوهش و مبانی نظری پژوهش، متغیرهای اثرگذار بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز در شهر اهواز تعیین شده و مدل مفهومی پژوهش ترسیم گردید. این متغیرها شامل چهار متغیر کنترل (شدت مجازات)، قوم‌گرایی، قانون‌گریزی و وضعیت روانی افراد بوده است. در ادامه، پس از تدوین پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌های به‌دست آمده از پاسخ‌گویی ساکنان شهر اهواز، نمونه‌ای به حجم ۳۲۰ نفر به‌صورت کاملاً تصادفی از بین جمعیت ساکن در مناطق هدف انتخاب شده و سپس داده‌های پیمایشی جمع‌آوری شده در بستر نرم افزار *SPSS* و نرم‌افزار *Amos* با استفاده از آزمون‌های معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل گردیدند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش نشان داد که شدت مجازات کیفری (کنترل رسمی) بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز تأثیر معناداری دارد. از سوی دیگر، با توجه به نتایج این پژوهش اثر قوم‌گرایی بر گرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز در شهر اهواز تأیید شد. علاوه

بر آن، اثر متغیر قانون‌گذاری و هم‌چنین وضعیت روانی افراد بر گرایش افراد به تیراندازی‌های غیر مجاز رد شد و با توجه به داده‌های به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل نمونه پژوهش دو اثر مذکور مورد حمایت قرار نگرفت. با توجه به اثرگذاری شدت مجازات‌های کیفری بر گرایش به تیراندازی به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا به شکل بسیار دقیقی تناسب جرم و مجازات‌های اعمال شده در زمینه تیراندازی‌های غیر مجاز را مورد بررسی قرار داده و در صورت عدم تناسب جرم با مجازات‌های کیفری قوانین سخت‌گیرانه‌تری را به مراجع قضایی و مجلس شورای اسلامی برای تقویت قوانین جزایی و کیفری در این زمینه پیشنهاد کنند. افزون بر این، با توجه به اثر قوم‌گرایی بر گرایش به تیراندازی غیر مجاز در شهر اهواز به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا با با آگاهی بخشی به اقوام مختلف ساکن در استان خوزستان و شهر اهواز به انجام کارهای فرهنگی و همچنین آگاهی‌بخشی به مردم به‌ویژه نسل جوان بپردازند. این موضوع می‌تواند از طریق ساخت برنامه‌های تلویزیونی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با مشاوره متخصصان حوزه حقوقی و امنیتی انجام شود. افزون بر این، با توجه به این‌که هنوز هم به‌دلیل وجود پیوندهای قومیتی قوی در بین اقوام در استان خوزستان می‌توان از حضور ریش‌سفیدان و بزرگان قومیت‌های مختلف در استان و کشور برای ارتقاء فرهنگی در زمینه کاهش تیراندازی‌های غیر مجاز بهره گرفت. علاوه بر این، با توجه به اثر شدت مجازات کیفری بر گرایش به تیراندازی باید به‌صورت ویژه‌ای مورد بررسی قرار گیرد تا درصورت عدم تناسب جرم و مجازات تغییر در قوانین جزایی و کیفری پیشنهاد شود. در نهایت به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در مطالعات آتی خود به بررسی سایر متغیرهای تعدیل‌گر که در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند بپردازند. هم‌چنین بررسی ابعاد دیگر مربوط به تیراندازی‌های غیرمجاز از نگاه مجرمین سابقه‌دار می‌تواند بر غنای یافته‌ها در این زمینه بیفزاید. افزون بر این به برخی پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا با بررسی وضعیت قوانین حقوقی و کیفری در زمینه مجازات تیراندازی‌های غیر مجاز شیوه تغییر و اصلاح قوانین کیفری در زمینه تیراندازی‌های غیر مجاز را مورد بررسی قرار دهند. پژوهش در زمینه علوم انسانی و علوم اجتماعی به‌دلیل بررسی رفتارهای انسانی همواره با محدودیت‌های بیشماری مواجه است. این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از محدودیت‌های پژوهش عدم قابلیت تعمیم نتایج به جوامع دیگر است. از محدویت‌های دیگر این پژوهش آن است که برخی از متغیرهای جمعیت‌شناختی دیگر که می‌توانستند نقش تعدیل‌گر در مدل را داشته باشند، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. افزون بر این، به دلیل نو بودن حیطه پژوهشی در کشور از نظر مطالعات انجام شده، هیچ مطالعه‌ای نقش بسترها

و عوامل پدید آورنده گرایش به تیراندازی‌های غیر مجاز را بررسی نکرده بود که از این نظر در زمینه مطالعات پیشین با محدودیت مواجه بود.

References:

Afrasyabi A. (2015). "Legal Authority of the Police in the Use of Firearms", Doctrines of Criminal Law, Razavi University of Islamic Sciences, No. 9, Spring and Summer 2015. (Persian).

Ahmadi, H. (2001). Ethnicity and Ethnicism in Iran Myth or Reality, Tehran: Ney Publishing. (Persian).

Amirkafi, M. (2015). "Investigating the Effective Factors on Motorcycling Driving Violations (Study in Kerman)", Iranian Journal of Social Studies, 8th Volume, No. 2, Summer, pp. 5-35. (Persian).

Arjmandi, G., and Nowruzi, A. (2011). "Resolving ethnic conflicts among the Bakhtiari nomads in Izeh city: drawing "bloodshed" or "enough blood", A Study of Iranian Social Issues (Social Sciences Letter), 1 (1), 1-44. (Persian).

Banks, G., Hadenfeldt, K., Janoch, M., Manning, C., Ramos, K., & Wolf, D. A. P. S. (2017). "Gun violence and substance abuse", Aggression and violent behavior, 34, 113-116.

Barry, C. L., Webster, D. W., Stone, E., Crifasi, C. K., Vernick, J. S., & McGinty, E. E. (2019). "Public support for gun violence prevention policies among gun owners and non–gun owners in 2017", American journal of public health, 108(7), 878-881.

Bauchner, H., Rivara, F. P., Bonow, R. O., Bressler, N. M., Disis, M. L. N., Heckers, S., & Rhee, J. S. (2017). "Death by gun violence-a public health crisis", JAMA psychiatry, 74(12), 1195-1196.

Beardslee, J., Docherty, M., Mulvey, E., & Pardini, D. (2019). "The direct and indirect associations between childhood socioeconomic disadvantage and adolescent gun violence", Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology, 1-11.

Butts, J. A., Roman, C. G., Bostwick, L., & Porter, J. R. (2015). "Cure violence: a public health model to reduce gun violence", Annual Review of Public Health, 36, 39-53.

Cukier, W., & Eagen, S. A. (2018). "Gun violence", Current opinion in psychology, 19, 109-112.

Ganji, M. Shafaei Moghaddam. (2005). “The Role of Computer Game Addiction in Students' Isolation and Aggression”, Family and Research Quarterly, 9 (2), 157-178. (Persian).

Ghodsi, M., Iftikhar, B. and A. Khaji (2006). “Injuries Resulting from the Use of Firearms; The Result of a Multicenter Study”, Scientific Journal of the Organization of the Medical System of the Islamic Republic of Iran, Volume 24, Number 3, Fall 2006, 232-239. (Persian).

Giddens, A. (2007). Sociological Theories, Translated by Mohsen Chavoshian, Tehran: Ney Publishing, first edition. (Persian).

Haqpanah, J. (2003). "Ethnicities in Iran, Strategies and Solutions", Strategic Report, Institute for Strategic Studies. (Persian).

Jahanbin, S. (2014). “The Relationship between Ethnicity and Crime Based on the Views of Social Psychology”, Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Quarterly Journal of Law Enforcement Science, 2013 (12), 73-105. (Persian).

Jenkins, R. (2004). "Ethnicity and Anthropological Perspectives" in Martin Ballmero and John Solomoz, Ethnic and Racial Studies in the 20th Century, Parviz Delirpour and Seyed Mohammad Kamal Sarvarian Tehran: Institute for Strategic Studies. (Persian).

Kalantari, S.; Rabbani, R. and Sedaghat, K. (2005). “The Relation of Poverty to Legislation and the Formation of Social Injury”, Social Welfare Quarterly, Fifth Year, 1-23.

Kendall, T. D., & Tamura, R. (2010). “Unmarried fertility, crime, and social stigma”, The Journal of Law and Economics, *53*(1), 185-221.

Lusic D. (2004). A New Approach in the Analysis of Social Issues, translated by Saeed Moeidfar, Tehran: Amirkabir. (Persian).

Mirfardi A., Faraji F. (2017). Investigating the Tendency Towards Lawlessness and its Relationship with the Level of Social

Participation and the Level of Social Control in Yasuj City. (Persian).

Mirzaei, E., Ahmadi, Y., Bukharaei, A., Naebi, H. (2019). "The Impact of Socio-Cultural Factors on Lawlessness (Case Study: Khouzestan Province)", Scientific and Research Quarterly of Social Security Studies, No. 54, Summer 1997. (Persian).

Mitchell, K. J., Jones, L. M., Turner, H. A., Beseler, C. L., Hamby, S., & Wade Jr, R. (2019). "Understanding the impact of seeing gun violence and hearing gunshots in public places: Findings from the Youth Firearm Risk and Safety Study", Journal of interpersonal violence, 0886260519853393.

Moayedfar, S., and Rezaei, A. (2010). "An Analysis of the Status of Ethnic Identity in Iranian Society, A Case Study of Tehran University Students", Political Studies, 1 (3), 19-48. (Persian).

Moazzen Zadegan, H. A., Doagooyan, D., Asadi D. (2016). Factors Affecting the Probability of Police Violence in the Judicial Process and Strategies to Prevent It (Case Study of Agahi Police, Anti-Narcotics Police, and the Fifth and Ninth Chiefs of the Greater Tehran Disciplinary Command). (Persian).

Mohammadian, Sh., Babaian M. (2015). "The Effect of Self-Disclosure in Social Networks on the Development of Social Capital (Examining the Role of Spiritual Capital)", Scientific Journal, 1 (2), 225-245. (Persian).

Mohseni Tabrizi, A. R. Shagaripour, S., Zangi, H. (1997). "The Role of Disciplinary Measures in Crime Prevention in the Suburbs of Bumhan", Quarterly Journal of Disciplinary Management Studies, Year 3, Issue 1, Spring 2008. (Persian).

Mousavi, S. K., Abedini, V., R. (2020). "Investigating the Role of Mass Media and Culture on the Use of Firearms and Individual Conflicts with the Center of Khouzestan Province", Khuzestan Disciplinary Knowledge Quarterly, 2020, 9th year, No. 32. (Persian).

Najafi Abrand Abadi, A. H. (2011). Remarks of Criminology Lessons (From Critical Criminology to Security Criminology), Faculty of Law, Shahid Beheshti University. (Persian).

Parvin, F. (2014). "Lawlessness, Reciprocal Violation of Citizenship Rights", Journal of Nominal Social Research, Nineteenth Year, (Second Issue) 97, Summer, pp. 175-186. (Persian).

Salehi, S.M. (2020). News Agency of the Islamic Republic of Iran, News code: 84450126, 26 August, 2021. https://www.irna.ir/news/84450126.

Savari, M. (2017). Explaining the Factors Affecting the Tendency to Shoot in Ceremonies Among Tribes and Nomads of Khuzestan province, Applied Research Office of Khouzestan Disciplinary Command. (Persian).

Shayan Mehr, A. (2004). (Comparative Encyclopedia of Social Sciences. Kayhan Publications, Tehran. (Persian).

Siddiq Sarvestani, R. (2001). Social Pathology (sociology of deviations), Tehran: its publications. (Persian).

Stowell, J. I., Messner, S. F., McGeever, K. F., & Raffalovich, L. E. (2009). "Immigration and the recent violent crime drop in the United States: A pooled, cross-sectional time-series analysis of metropolitan areas", Criminology, 47(3), 889-928.

Tahmasebi, A. (1997). A Plan to Study the Methods of Resolving Ethnic Conflicts Leading to Murder among Nomads of Ilam Tribe: Research Council of the General Directorate of Islamic Culture and Guidance. (Persian).

Thie, A. (2005). Sociology; A Brief introduction, Boston, MA02116.

Tyler, T. R. (2001). "Trust and law abidingness: A proactive model of social regulation", BUL Rev., 81, 361.

Zanjanizadeh Ezazi, H. (2006). "An Introduction to the Sociology of Pierre Bourdieu", Social Sciences. (Persian).

Identification of Substrates and Factors Affecting the Tendency to Unauthorized Shootings in Ahvaz

Seyed Karim Mousavi[1], *Saeed Abbasi Nia (Ph.D)*[2]

DOI: 10.22055/QJSD.2022.37917.2472

Abstract:

During the recent years, unauthorized shootings in most of provinces of the country particularly in Khuzestan province has significantly increased. This has led to many disastrous events including death of many of citizens. The purpose of this study was to identify influencing grounds and factors on one of the most important challenges of Ahvaz city that is unauthorized shootings. The statistical population of the research included residential population of the city among whom 380 people were chosen randomly. The collected data were analyzed based on variance analysis and linear regression models using Structural Equation Models in Amos and SPSS software packages. The results of the analysis indicated that the severity of criminal penalties (formal control) has a significant effect on unauthorized shooting phenomenon. On the other hand, according to the results of this study, the effect of ethnicity on the tendency to unauthorized shooting in Ahvaz was confirmed. In addition, the effect of the legislative variable as well as the mental state of individuals on the tendency of individuals to illegal shootings was rejected and according to the data obtained from the analysis of the research sample, the two mentioned hypothses were not supported.

Key Concepts: *Tendency to Unauthorized Shootings, Ethnicism, Legalism, Severity of Criminal Punishment, Marginal Areas*

[1] PhD Student in Criminal Law and Criminology, Institute of Higher Education of Sciences and Education affiliated with the Al-Mustafa Al-Alamiyah Society, Qom, Iran, k.mosavi1400@gmail.com

[2] Assistant Professor, Department of Islamic Education, Quran and Hadith Sciences, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), dr.abasinya@iau.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).